

دیالوگ

«کاوه میرعباسی»
هشدارهای محیط‌زیستی را جدی نمی‌گیرد
«داعش» طاعون امروز است

عسل عباسیان

● کاوه میرعباسی، مترجم و نویسنده‌ای است که خودش دانش آموخته سینماست اما این روزها ترجیح می‌دهد، فیلم‌ها را نه بر پرده تفره‌ای که در خانه‌اش تماشا کند. او که در کارنامه‌اش ترجمه آثاری از کابریل گارسیامارکز، یوسا، بورخس، فونتئس، برتون و... به چشم می‌خورد، می‌گوید روزانه اخبار پنج، شش رسانه را از طریق اینترنت دنبال می‌کند و یکی از دلمشغول‌ی این روزهایش ماجرای داعش است. در ادامه دغدغه این روزهای آقای مترجم را خواهیم خواند.

✎ این روزها اکثر مردم دوست دارند کارهای‌شان را در تنهایی انجام دهند، تنهایی فیلم ببینند و موسیقی گوش کنند، شما ترجیح می‌دهید فیلم را در سینما ببینید یا خانه؟ آخرین باری که سینما رفتید کی بود؟

آخرین فیلمی که در سالن سینما دیدم «درباره الی» بود و ماجرا به پنج سال قبل برمی‌گردد. دفعه قبل‌تری هم که سینما رفتم؛ چهار، پنج‌سال پیش‌ترش بود. تقریباً تمام فیلم‌های مطرح ایران و جهان را می‌بینم، منتها در شبکه خانگی و در خانه‌ام. هزینه رفتن به سینما، خیلی گرانتر از تماشای فیلم در خانه است. دی‌وی‌دی یک فیلم را می‌خریم سه‌هزارتومان و با همسرم آن را تماشا می‌کنیم درحالی‌که اگر دو نفری با هم به سینما برویم حداقل باید ۱۲هزارتومان هزینه کنیم. به علاوه اینکه دیدن فیلم در خانه، وقتمان را هم تلف نمی‌کند. با ترافیکی که اغلب در تهران هست، اگر بخواهیم برای دو ساعت فیلم‌دیدن به سینما برویم، باید دوساعت هم وقت رفت‌وآمد بگذاریم.

✎ درواقع این به سبک زندگی امروز برمی‌گردد؟ بله مرور زمان عاداتمان را تغییر داده است. فیلم‌دیدن دیگر مثل کتاب‌خواندن شده است؛ به حکم ضرورت هم این اتفاق افتاده است. البته که مساله وفور کتاب و فیلم باعث شده که انگار با ساعت مسابقه بگذارم تا مبادا جايمانم و با این حال باز هم مدام عقیم. محال است عمرم کفاف دهد فیلم‌های ندیده و کتاب‌های نخوانده را تمام کنم.

✎ باتوجه به اینکه کار شما، در تنهایی انجام می‌شود، این سبب نشده نسبت به اتفاقات و اخبار بی‌تفاوت باشید؟ اتفاقا همیشه پیگیر رویدادها هستم و حداقل روزی شش، هفت‌رسانه را دنبال می‌کنم، به‌خصوص که اینترنت پیگیری اخبار را راحت کرده، به برکت اینترنت و فیس‌بوک در خانه هم با همه دنیا در ارتباطیم؛در حقیقت ارتباط‌ها دیگر به بعد مکان محدود نمی‌شوند. اگر فرصت ارتباط حضوری و رودرو فراهم نباشد، این امکان به‌صورت مجازی وجود دارد. درواقع جهان حالتی دگگونه پیدا کرده همان‌طور که مک لوهان ۵۰سال پیش، پیش‌بینی می‌کرد.

✎ در بین اخبار و رویدادهای اخیر، کدام یک توجه‌تان را جلب کرده است؟



مساله‌ای که پیگیرش هستم ماجرای داعش است که پدیده‌ای مهیوت‌کننده به‌حساب می‌آید. خبر دیگری که آن را دنبال کردم، طاعون جدیدی موسوم به «آبولا»ست که آفریقا را گرفته و از موضوعات خیلی داغ این روزهای دنیاست. داعش هم در بعد دیگری، طاعون است، یکی از اینها طاعون روحی است و دیگری طاعون جسمی.

✎ بحران کمبود آب، چقدر شما را نگران می‌کند؟

آیا پیگیر اخبارش هستید؟ نگرانم کرده، منتها خواه‌ناخواه، جنبه نمایشی رویدادها در میزان موردتوجه قرارگرفتنشان موثر است. کمبود آب اسباب نگرانی‌ام می‌شود ولی جنبه نمایشی بیماری آبولا و داعش را ندارد. برای منی که از کودکی عاشق سینما بوده‌ام، این جنبه نمایشی شاید مهم‌تر هم باشد.

✎ واکنش شما نسبت به هشدارهای محیط‌زیست چیست؟

سعی می‌کنم آب کمتری مصرف کنم. البته قبلا هم همین کار را می‌کردم، اما متأسفانه نه که این هشدارها اهمیت نداشته باشند اما خیلی اثرگذار نیستند. چون این خبر، با همه بدبودنش، جنبه نمایشی ندارد.

✎ یعنی به هشدارهایی که در روزهای بحرانی داده می‌شود، توجه نمی‌کنید؟

صادقانه باید بگویم که نه. هر چیزی که مدام تکرار شود، خودبه‌خود از اهمیتش کاسته می‌شود و عادی به‌نظر می‌رسد، حتی اگر کشنده باشد! اگر بخواهم به مواردی نظیر آلودگی هوا فکر کنم، اصلا از خانه نباید بیرون بیایم، که شدنی هم نیست.

آمیولانس

آمیولانس در دست تعمیر است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۳ • ۱۰ صفر ۱۴۳۶ • ۳ نوامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۷۸ • ۱۶صفحه
 اذان ظهر تهران ۱۱:۵۴ • اذان مغرب ۱۷:۰۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۵۷

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

علی جهانشاهی



شغل کاذب

بی‌پولی



پوریا سوری

شش‌پله مانده بود به در روزنامه برسم که دسته کیف زهواردررفته چرمی به‌ارث‌رسیده از پدربزرگ پدری دررفت و ابتدا کیف از روی شانهم و سپس پایم از روی پله سُر خورد و کیف و من با هم پخش زمین شدیم. با این تفاوت که از لای در کیف، برکه‌های خبر بیرون می‌ریخت و از دهان من- دور از جان شما- به زمین و آسمان، نقل و نبات!

آقااصلاح - آبدارچی روزنامه - که صدای سقوط من را شنیده بود، دوان‌دوان از بالا آمد و من را که ولو شده بودم روی زمین و داشتم همه‌چیز را وارونه می‌دیدم بلند کرد و با همان تلهجه‌اش گفت: خودتو چیکار کردی! پاشو پسر، اینقهه خودتو ناراحت نکن. این روزنامه نشد یکی دیگه، هیچ‌کدوم نشد برگرد برو شهرستان. تراکتورو بردار برو سر زمین! تراکتور نداری هم که خدا بی‌لو ازت نگرفته!

در پرائنتز همین‌جا بگویم که آقااصلاح همیشه عقاید فلسفی‌اش را هنگام چرخاندن سینی چای بلندبلند و البته بریده‌بریده بیان می‌کند. ایشان عقیده دارد که «بیل‌زدن خیلی بهتر از قلم‌زدن است»، می‌گوید ما عقلمان درد می‌کند که بیل‌ها را در شهرستان معطل گذاشته و آمده‌ایم در تهران قلم‌ها را به دست گرفته‌ایم، البته منطقش منطق پرزوری هم هست. آقااصلاح حتی عقیده دارد در چنین مواردی- مثل امروز- داشتن یک تراکتور حتی از دسته‌بیل هم لازم‌تر است چرا که می‌توانی به‌جای خردکردن دسته‌بیل بر فرق آدم متخاصم، با تراکتور از رویش رد شوی و چنان شخصش بزنی که خونابه‌ها از شیارها روان شود. تازه با این فرمول، دسته‌بیل هم سالم

پیشنهاد فردا

● بیست‌ویکمین شماره ماهنامه «شبکه آفتاب» به قیمت ۱۵هزارتومان هم‌اکنون روی کیوسک‌های روزنامه‌فروشی است. ایردا در بیمارستان روانپزشکی رازی، گزارش خواندنی این شماره است. زندگی یک شاهزاده فقیری در تهران امروز هم عنوان گزارشی از فاطمه علی‌اصغر است درباره زندگی اعتضادالسلطنه. از دیگر گزارش‌های خواندنی بخش اجتماعی، گزارشی از اتاق زایمان بیمارستان اکبرآبادی تهران است. همچنین ایمان پاکندها هم روایتی دارد از قدیمی‌ترین گرمابه عمومی تهران. یادداشتی از سیدمحمدبهشتی درباره چرایی زوال امروز سینمای ایران هم از یادداشت‌هایی است که در بخش سینمای این مجله منتشر شده. پرونده‌ای مربوط به سوالات تازاتر امروز ایران با تیتَر «ساعت بحران است» همراه با یادداشت افرادی نظیر حسن معجونی، امیررضا کوهستانی، رضا سرور، حمید پورآذری و ایثار ابومحبوب هم پرونده بخش تئاتر است.

گزارش فردا

کپی ایرانی «کاخ ورسای» دریک قدمی ویرانی

حکم تخریب خانه «ثابت پاسال» لغو می‌شود؟



سعید برآبادی



پس‌انداز خانه «پاسال» در تهران

حال آنکه اسکندر مختاری اگرچه مدافع حفاظت از این بناست اما برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسبت‌داده‌شده به این بنا را رد می‌کند: «باید توجه کرد که ثابت پاسال بنایی است که متضمن ویژگی‌های زمانی خودش نیست، در حقیقت این عمارت کپی‌ای است از ساختمان دیگری که البته قطعا ورسای نبوده و نیست.»

فرصتی برای تهران متراکم

او می‌گوید سازندگان خارجی این بنا، تحت‌تأثیر درخواست کارفرمای ایرانی نوکبسه‌ای که در آن دوره با پول نفت صاحب طبقه‌ای خاص شده بوده، بنایی را ساخته‌اند که فرزند زمان خود نیست و معماری‌اش کپی از معماری‌های غربی است اما اضافه می‌کند: «با این همه حتی کپی داونچی هم، می‌تواند اثر هنری قابل ملاحظه‌ای باشد و ثابت پاسال اینطور است.» این کارشناس میراث فرهنگی تهران معتقد است ساختمان‌هایی از این‌دست که در تهران کم هم نیستند به‌علت متراژ بالا و فضای سبزی که در خود داشته‌ای دارند، فرصت‌های کیفی شهر به‌شمار می‌روند: «باید از ثابت پاسال و عمارت‌هایی شبیه به این به‌عنوان فرصتی در بخش‌های متراکم شهر استفاده می‌شد و چه بهانه‌ای بهتر از این برای حفظ اینگونه ساختمان‌ها.» موضوع دیگر اما مساله مصادره‌ای‌بودن ورسای تهران است، مختاری می‌گوید صدور اجازه ساخت‌وساز برای این عمارت، می‌تواند لغو حکم مصادره‌ای آن باشد: «توجه کنید این بنا به‌دلیل مصادره‌ای‌بودن جزو اموال عمومی به شمار می‌رود و اگر اجازه ساخت‌وساز در آن داده شود، شاهد بازگشت مالکیت آن به فرد و نفی حکم مصادره خواهیم بود.»

ماهگیری از آب گل‌آلود

به نظر می‌رسد بی‌اطلاعی «سازمان میراث فرهنگی» از ارزش تاریخی این بنا؛ فرصت خوبی را در اختیار آتانی قرار داده که خواسته‌اند حکم تخریب این بنا را بگیرند و به‌جای آن اجتماعی تجاری و چندین طبقه بسازند و بر تراکم خیابان جردن که از خیابان‌های زلزله‌خیز تهران نیز است، بیفزایند. پرونده پاسال اما در این میان به‌خاطر صاحب قبلی آن کمی هم سیاسی شده و آنهایی که به‌دنبال سیاسی‌کردن آن هستند، می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند؛ ماهی‌ای به اندازه یک‌ساختمان ۹طبقه در گران‌ترین خیابان شهر!

را کمی عمیق‌تر ارزیابی کرده و ادامه می‌دهد: «در مورد چنین بناهایی ما مشکل ضعف دانستن داریم، اطلاعات عمومی درباره چنین بناهایی کم است و همین موضوع باعث شده که با آنها شبیه به بناهای قدیمی و زهواردررفته برخورد کنند.»

«ورسای» تهران ارزش محافظ دارد

مگر عمارت ثابت پاسال چقدر ارزش معماری و تاریخی دارد؟ برای یافتن پاسخخ این سوال از دکتر ایرج اعتصام کمک گرفتیم؛ یکی از استادان بحق معماری معاصر ایران. او به «شرق» می‌گوید: «معماری پهلوی اول و پهلوی دوم از اهمیت ویژه‌ای در ساختار شهرهای ایران برخوردارند چراکه معماری معاصر این شهرها را می‌سازد. در این دوره‌ها، وارطان، بهزاد و اردلان، فرمانفرمایان، دیبا و دیگران آثاری را خلق کرده‌اند که هویت شهرهای ما را شکل می‌دهند. بنابراین در مواجهه با هر ساختمان و بنایی که از این دوره است باید آن را به‌عنوان یک ارزش هنری در ساحت شهر دید.»

اعتصام اما در پاسخ به این سوال که چقدر از این ارزش به دستگاه‌های دولتی رسیده تا مانع از تخریب چنین بناهایی شوند، برمی‌آشوبد: «من استاد معماری معاصر هستم، اینها را سر کلاس به دانشجویانم می‌آموزم، می‌آموزم که معماری معاصر چطور شکل گرفته و چرا دارای ارزش است. وظیفه انتقال این ارزش‌ها به دستگاه‌های دولتی یا ما نیست، آنها باید خودشان وارد چنین حوزه‌ای شوند. چطور ممکن است میراث فرهنگی یا شهرداری، چنین ساختمانی را ببینند و ندانند که دارای ارزش است؟»

در تعریف آنچه که ویژگی‌های کاخ ثابت پاسال را شکل می‌دهد، شاید در این چندروز کمی بیراهه رفته باشند. نگرانی از خطر تخریب این عمارت باعث شده که برخی گمانه‌زنی‌ها درباره ارزش معماری این بنا، آن را در زمره یکی از «بهترین‌ها» قرار دهد

فرهنگ

آزادی

ملت

زندگی

کوروش

اریکه

سمرقند

مرکزی

ایران

شکوفه

ماندانا

تماشا

راکا

بایتخت

حافظ

تیرازه

کیان

جی

برج میلاد

شاهد

برنامه سینماهای:

فرهنگ

آزادی

ملت

زندگی

کوروش

اریکه

سمرقند

مرکزی

ایران

شکوفه

ماندانا

تماشا

راکا

بایتخت

حافظ

تیرازه

کیان

جی

برج میلاد

شاهد

مهدی هاشمی ، بهرام رادان ، رویا نونهالی

در

فیلمی از آریتا موگویی

حسین یاری ، بانته‌آ بهرام

پیام دهکردی ، پژمان هادوی

عنایت شفیعی ، امید روحانی

نویسنده: رضا کریمی مدیر فیلمبرداری: هومن بهمنش مجری طرح: علی یاذل

تدوین: محمد رضا مویینی مدیر صدابرداری: محمد شاهرودی طراحی و ترکیب صدا: ایرج شهزادی

موسیقی: آریا عظیمی نژاد طراح صحنه و لباس: کامیاب امین عشایری طراح جیره برداری: سودابه خسروی

تهیه کننده اجرایی و سرپرست تولید: پژمان هادوی تهیه کننده: محمد حسن نجم

بخش رسانه فیلمسازان مولود

Renuzit